



از تبار سید

حسین مرعشی از سیاستمداران است که با دو واسطه به آیت‌الله‌العظمی سیدمحمد کاظم یزدی می‌رسد او از طرف سید محمد خاتمی (رئیس‌جمهور وقت) به‌عنوان رئیس سازمان جدیدالتاسیس میراث فرهنگی و گردشگری منصوب شده بود. حسین مرعشی در زمان ریاست جمهوری شوهر خواهر خود یعنی آیت‌الله‌هاشمی‌فسنجانی رئیس دفتر وی بود.

عالی‌ترین کتاب فقهی گزارشی از «عروه‌الوفقی»



عروه‌الوفقی از مهم‌ترین کتب فتوایی نزد شیعه امامیه است که جامع بسیاری از فروع فقهی با عبارات شیواست. این کتاب حاوی

۲۲۶۰ مسأله فقهی است. عروه از همان ابتدا به سبب ویژگی‌های منحصر به فردی که دارد، محور تحقیق و تدریس فقهای بزرگ شیعه شد و بسیاری از مجتهدان بزرگ بر آن تعلیق یا شرح نوشتند. ساختار رساله‌های عملیه امروز مراجع تقلید بر همین اساس است. البته این کتاب تنها مورد توجه عالمان قرار نگرفت و حتی در زمان حیات نویسنده، به عنوان رساله علمیه بود.

در حقیقت سبک عروه پیشتر متأثر از «مجله‌الحکام عثمانی» است. دولت عثمانی در سال ۱۲۸۶ هجری کمیته علمی‌ای را متشکل از فقهای بزرگ اسلامی مکلف کرد تا احکام معاملات فقهی (نظام حقوقی اسلامی) را از منابع وسیع و متعدد فقه حنفی استخراج و آن را به شکل یک قانون‌نامه مدنی تدوین کنند. این کار مهم به شکل یک قانون حاوی ۱۸۵۰ ماده به نام «مجله‌الحکام‌العبدلیه» انجام پذیرفت.

مهم‌ترین ویژگی کتاب عروه عبارت است از: متن، کثرت فروع و ویژه در مسائل مستحدثه و ترتیب و شماره‌گذاری در این فروع است. این کار در فقه شیعه به‌عنوان یک ابتکار محسوب می‌شود. تا پیش از عروه، متن اصلی مورد توجه فقهای امامیه، متن شرایع محقق حلی بود. شرایع خلاف عروه مسائل را به‌صورت مجزا مطرح نمی‌کند بلکه مسائل هر باب را به‌صورت به هم پیوسته ذکر و بررسی می‌کند.

امروزه متن اصلی مورد بررسی در درس خراج فقه حوزه علمیه، از متن کتاب عروه سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی تشکیل می‌دهد. کتاب عروه دارای ۱۷ کتاب فقهی است. در آغاز کتاب مباحثی پیرامون اجتهاد و تقلید مطرح و در ۷۲ مسأله به زوایای مختلف این بحث اشاره شده است. مباحث اصلی این کتاب شامل تقلید، طهارت، صلات، صوم، اعتکاف، زکات، خمس، حج، اجاره، مضاربه، مزارعه، مسافقات، ضمان، حواله، نکاح و وصیت است. عروه‌الوفقی دارای تمهاتی معروف به ملحقات عروه است که مشتمل بر بسیاری از ابواب معاملات، مانند ربا و کسوف، هبه، وقف، حدود و قضا است.

در قرن اخیر، حاشیه‌نویسی بر عروه نشان‌دهنده رسیدن یک عالم به درجه اجتهاد محسوب می‌شود. مجتهدان بزرگی بر کتاب عروه‌الوفقی تعلیق نوشته‌اند؛ از جمله شیخ علی‌بن شیخ جوهری (م ۱۳۴۰ ق)، فیروزآبادی (۱۳۴۵)، میرزا حسین نائینی (م ۱۳۵۵ ق)، عبدالکریم حائری (م ۱۳۵۵ ق)، آقا ضیاءالدین عراقی (م ۱۳۶۱ ق)، سیدابوالحسن اصفهانی (م ۱۳۶۵ ق)، کاشف‌الغطاء (م ۱۳۷۳ ق)، سیدمحمدحسین بروجردی (م ۱۳۸۰ ق)، سید عبدالهادی حسینی شیرازی (م ۱۳۸۲ ق)، سیدمحسن طباطبایی حکیم (م ۱۳۹۰ ق)، شیخ محمدرضا آل‌باسینی (م ۱۳۷۰ ق)، میرزا حسن بجنوردی (م ۱۳۹۶ ق)، سیداحمد خوانساری (م ۱۴۰۵ ق)، امام خمینی (م ۱۴۰۹ ق)، سیدابوالقاسم خویی (م ۱۴۱۳ ق)، سیدمحمدرضا گلپایگانی (م ۱۴۱۴ ق) و...

رواد حاکم بر حواشی عروه، اشاره به موارد اختلافی حاشیه‌نویس با نظر صاحب عروه است. «مستمسک العروه‌الوفقی» را می‌توان یکی از قویترین کتبی دانست که به‌طور تحقیقی به بررسی نظریات صاحب عروه در کتابش پرداخته است. آیت‌الله سیدمحسن حکیم، در کتاب ۱۴ جلدی‌اش، به تفصیل، احادیث و مستندات فقهی مورد توجه صاحب عروه را ذکر کرده است. تعلیق آیت‌الله خویی بر عروه نیز یکی از منابع قوی استدلالی فقهی به حساب می‌آید که از نگاه بعضی از علما، جایگزینی است برای مستمسک عروه.

کتاب عروه‌الوفقی به زبان عربی و در پنج جلد، به کوشش موسسه نشر اسلامی قم در سال ۱۴۱۷ قمری چاپ شده است.

آزادی؛ بنیان فکری سید



آیت‌الله سیدمصطفی محقق داماد تحقیقاتی را پیرامون روش فکری آیت‌العلمی سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی همشهری‌اش انجام داده است. او سیدیزدی را آغازگر تحول بنیانی در فقه شیعه می‌داند و معتقد است بنیان فکری سید براساس آزادی بنا شده است. از نگاه محقق داماد، تغییر شکل عروه‌الوفقی متأثر از رویه عرف‌گرایی در ذهن سید است.

فقهی که کتابش معیار اجتهاد است

تاریخ زندگانی آیت‌العظمی سیدمحمدکاظم طباطبایی یزدی

• سیدمر قزی ابطی •

سیاسی وی در مواردی با همین قاعده قابل تفسیر است. مرحوم سید کاظم یزدی به‌رغم حضور در نجف از اصول مشروطه‌گری و اهداف مشروطه‌گران در ایران باخبر بود^(۱). «صاحب عروه‌الوفقی در ماجرای مشروطه رویه بی‌طرفی در پیش گرفت. اما عدم مشارکت وی در انقلاب مشروطه به دلیل بدبینی نسبت به حوادث ایران و ماهیت حرکت مشروطه بود؛ نه به‌دلیل غیرسیاسی بودن و به‌رئیز از دخالت در امور سیاسی»^(۲) البته در تاریخ مشروطه می‌توان مسیر حضور سیاسی سید را به لحاظ ظاهری هم‌شکل شیخ فضل الله نوری دید. اما از سویی از جهت مرتبه علمی، شیخ فضل‌الله در جایگاه پس از سید قرار داشت و از سوی دیگر به اعتقاد آیت‌الله مصطفی محقق داماد: «سید با آخوند خراسانی و پارلمان مخالف بود اما نه به این معنا که موضعی نظیر شیخ فضل‌الله داشته باشد او به مراتب از آخوند پیشروتر بود و احساس می‌کرد که آخوند را به نحوی غربی‌ها خط می‌دهند»^(۳) بر اساس اسناد تاریخی، سید در ابتدا از حامیان مشروطه به شمار می‌رفت^(۴) اما پس از تغییر جهت عدای از مشروطه‌خواهان رفته رفته، مسیر حرکت سید نیز دگرگون شد و سرانجام فتوایی را مبنی بر حرمت مشروطه و بالتبع طرفداری از مخالفان مشروطه‌خواهی صادر کرد: «شنیده شده از تمام بلاد خود فتنه خاموش شده را از درگاه اعلیحضرت قدر قدرت همایونی خواست‌اند، لذا اعلان به تمام بلاد می‌شود که لیبی را علیه اسلام و متدینین، هیچ راضی نیستند که فتنه خاموش شده، عود کند و مشروطه موهومه اسباب خیالات اشرار گردد، لذا به تمام بلاد اعلام می‌داریم که خواهش نمودن این امر حرام است.

سید محمدکاظم طباطبایی یزدی^(۵) نفوذ سید در ایران به حدی بود که به وی جستار دو چندان برای صدور چنین فتوایی را می‌داد. کسروی در «تاریخ مشروطه» درباره سید می‌نویسد: «سید یزدی در رده آخوند خراسانی و حاج شیخ (عبدالله) مازندرانی شمرده می‌شد و گروهی انبوه از ایرانیان از مقلدان او بودند»^(۶) مهدی ملک‌زاده نیز می‌نویسد: «سید مریدان و مقلدان زیاد در ایران داشت و عشایر شیعه عراق عرب از او تقلید می‌کردند و او را پیشوای مطلق خود می‌دانستند و هرگاه ضرورت ایجاد می‌کرد، ممکن بود هزارها عرب مسلح تحت اختیار او گذارند و احکامش را با آهن و آتش پیش ببرند»^(۷) او آنچنان به عنوان رهبر مخالفان مشروطه مطرح شد که مدرس تبریزی در این باره می‌نویسد: «در موقع نهضت ملی ایران امشروطیت و تبدیل اصول سلطنت، قتل وی تصمیم گرفته شد، لکن روسا و شیوخ احزاب نجف درگذر خاته او را محاصره کرده و در حفظ و حراست وی، اهتمام تمام به کار بردند تا آنکه غائله‌هایی رفع و ریاست مذهبی به او منتهی و مسلم عموم گردید»^(۸) کسروی و دیگران نیز سید اینگونه قضاوت کرده است: «سید کاظم جز سود خود را نمی‌جست و جز در پی

دستگاه آیت‌اللهی نبود»^(۹) همچنین ملک‌زاده معتقد است: «سید کاظم یزدی که یکی از اعلام روحانیون نجف بود، فریب نمایندگان شیخ‌فضل‌الله را خورد و علناً بر خلاف مشروطیت قیام کرد و در نتیجه، آشوب ضد انقلاب در تهران برپا شد»^(۱۰) اگرچه برخی معتقدند که براساس نظریات فقهی سید در باب قضاوت، او قائل به ولایت فقیه بوده است^(۱۱) اما دکتر محسن کدیور، دلایل برشمرده برای چنین مدعایی را به اندازه کافی نمی‌داند. از این‌رو است که وی معتقد است «و مرجع بزرگ تقلید، آخوند خراسانی و سید کاظم یزدی، (یکی موافق و یکی مخالف مشروطه) هیچکدام به ولایت فقیه قابل نیستند»^(۱۲) دکترمصطفی محقق داماد هم به این مسأله باور دارد که «بنیان‌های فکری و فتوایی یزدی، حقوق امامیه را به شدت به سمت عرفی شدن سوق داده؛ به گونه‌ای که این تغییر ماهوی در آفاق و نیز مشهود است. استفاده از سبک نگارش مجله‌الحکام عثمانی در نگارش عروه‌الوفقی یکی از نتایج همین پیش سید بود. اندیشه محوری سید در دستگاه فقهی جدیدش، اصل آزادی قراردادی از دیدگاه فقه بوده است و دیگر مسائل متفرع از این مسأله‌اند»^(۱۳)

حضور سید یزدی در سیاست تنها محدود به مشروطیت و ایران نبود بلکه او در مبارزه با استعمار نیز در چهره یک رهبر آواگنار ظاهر شد. از جمله این موارد می‌توان به فتوای سید در وجود دفاع از لیبی بر ضد ایتالیا اشاره کرد: «در این ایامی که کشورهای اروپایی مانند ایتالیا به طرابلس غرب (لیبی) حمله نموده و از طرفی روس‌ها شمال ایران را با قوای خود اشغال و انگلیسی‌ها نیز نیروهای خود را در جنوب ایران پیاده کرده‌اند و اسلام را در معرض خطر نابودی قرار داده‌اند بر مومن مسلمانان از عرب و ایرانی، واجب است که خود را برای عقب راندن کفار از ممالک اسلامی مهیا سازند و از بذل جان و مال در راه بیرون راندن نیروهای ایتالیا از طرابلس غرب و اخراج قوای روس و انگلیس از ایران، هیچ فروگذار نکنند؛ زیرا این کار از مهم‌ترین فرائض اسلامی است، تا به پاری خدانود دو مملکت اسلامی از تهاجم صلیبی‌ها محفوظ بماند. سیدمحمدکاظم طباطبایی»^(۱۴) «سید در جنبش جهادی بر ضد ارتش بریتانیا در عراق (به سال ۱۹۱۴ م) در جایگاه رهبری این جنبش در سرآغاز علمای مجاهد، فتوای وجوب جهاد صادر کرد و حتی فرزند خویش (سید محمد) را در راس گروهی از علمان که اهنگ نبرد با انگلیسی‌ها را داشته‌اند، گماشت و خود رهبری این نبرد را در نجف عهده‌دار شد و در پی تصمیمی واحد از تمام روسای قبیله‌ها و روسای شهرها و روستاها تا نامگذاری به اداره جنگ پرداخت»^(۱۵) در جنگ جهانی اول نیز سید کاظم یزدی در کنار دیگر علمای شیعه مقیم عراق مانند آیت‌الله میرزا محمدتقی شیرازی و آیت‌الله شیخ‌شیرعی اصفهانی علیه انگلیس که عراق را اشغال کرده بود، اعلان جهاد دادند. نتیجه

تبارشناسی طباطبایی‌ها

سیدمحمدکاظم طباطبایی از تبار سادات طباطبایی است و نسبش به امام حسن مجتبی (ع) می‌رسد، وجه این سلسله از فرزندان امام حسن مجتبی جد اعلا ایشان در نام ابراهیم طباطبای است. ابراهیم طباطبای در زمان خود شخصیت قابل توجهی بود و از اصحاب امام صادق (ع) بود و در زمره راویان احادیث آن امام است. طباطبایی‌ها در طول تاریخ از مدینه پراکنده شده و گروهی به ایران، گروهی به مصر، مراکش، هند، یمن، عراق، شام و دیگر بلاد رفته‌اند. بر اساس منابع تاریخی، در این خاندان شخصیت‌های بزرگی پدید آمدند که یا به علم و زهد یا به امارت و ریاست و مقام اجتماعی قابل توجهی رسیدند. یکی از علل پراکندگی فرزندان طباطبایی، حرکت‌های سیاسی و اجتماعی ایشان بر علیه دستگاه خلافت عباسی بوده است که به خاطر فشارهای حکومتی مجبور به مهاجرت به نقاط دیگر بودند. در ایران امروز، طباطبایی‌های قم و کاشان، طباطبایی‌های تبریز، (که از آن جمله علامه سیدمحمدحسین طباطبایی است) طباطبایی‌های بروجرد (که از جمله ایشان مرجع بزرگ معاصر آیت‌الله‌العظمی بروجردی است)، طباطبایی‌های یزد (که از آن

جمله صاحب عروه آیت‌الله‌العظمی سید محمدکاظم یزدی است) طباطبایی‌های اصفهان (که از آن خاندان حکیم در عراق اکنون مشهورند) و طباطبایی‌های زواره است (که از جمله ایشان مرحوم علامه محیط طباطبایی است). خاندان طباطبایی یزدی فرزندان عالم بزرگ شیعه مرحوم آیت‌الله‌العظمی سید محمدکاظم طباطبایی‌یزدی صاحب کتاب مشهور عروه‌الوفقی هستند. فرزندان سید، هر یک در محیط علمی این خانواده رشد کردند و از شخصیت‌های علمی بارز آن دوره شدند. در میان فرزندان سید، سیدمحمد که از همه بزرگ‌تر بود، به مدارج فقهی نائل شد و از خود آثار علمی بر جای نهاد ولی در زمان



● ایستادگان، موزن و خادم مدرسه سید. ردیف عقب از راست: سیدحسین فرزند سیدعلی، سیدکمال فرزند سیداحمد، سیدتقی فرزند سیدمحمد، سیدحسن فرزند سیدحسن، ردیف جلو از راست: سیدجمال فرزند سیداحمد، سیدجواد فرزند سیداسماعیل (پدر سیدعبدالعزیز)، سیدمحسن فرزند سیداحمد، ناشناس، سیدمحمدباقر فرزند سیدمحمد (متولی مدرسه سید)، سیدنظام فرزند سیداحمد



مدرسه سید

مدرسه سید، از مهم‌ترین مدارس حوزه نجف بوده است و عمده بزرگان حوزه نجف در آن تحصیل کرده یا به تدریس پرداخته‌اند. مدرسه‌ای که حدود هشتاد حجره داشت و به دلیل رعایت نظم و بهداشت مورد توجه همگان بود. به‌گونه‌ای که هیات‌های علمی خارجی برای بازدید به آن مدرسه می‌رفتند اما اکنون از آن شور خبری نیست.



فراموش نکنم یعنی: می‌خواهم سختی و سادگی ایام طلبگی خویش را همواره به یاد داشته باشم تا از حال ضعیفان و بیچارگان غافل نشوم و نیز غرور قدرت مرا نکیرد»^(۱) آیت‌الله‌العظمی سید محمد کاظم یزدی در سال ۱۳۳۷ قمری بر اثر بیماری ذات‌الریه درگذشت و در شهر نجف و در باب طوسی سخن مرتضی به خاک سپرده شد.^(۲) سید پیش از وفات که همگی از فضلا به شمار می‌آمدند؛ سیدمحمد یزدی که در میدان نبرد با انگلیس شهید شد و سید احمد، سید محسن، سید محمود، سید علی و سید اسدالله و تنها دختر که سیدزهره نام داشت.

این عملکرد حضور بسیاری از علما همراه با مردم عادی در جنگ شد.^(۳) «مخالفت سید تنها اختصاص به انگلستان نداشت بلکه زمانی که محمدعلی شاه برای سرکوب جنبش مشروطیت از روسیه مدد خواست و تنفر زیادی در مردم علیه محمدعلی شاه و روس‌ها به وجود آورد و علما از جمله آیت‌الله سید محمدکاظم یزدی نیز علیه روسیه، این پشتوانه محمدعلی شاه، دست به کار شدند و جهاد در دفع متجاوزان روسی را واجب شمرند»^(۴)

سید محمدکاظم یزدی در کارهای عام المنفعه مرابط به مردم و طلاب کوتاهی نمی‌کرد. از آثار وی، مدرسه است. «مخالفت سید تنها اختصاص به فقها و اصولیان در حوزه نجف بود. زندگی زاهدانه سید بین علما معروف بود. نقل شده است مرحوم آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی در روزگار مرجعیت فراگیر مرحوم سید، روزی به اتاق خصوصی ایشان رفته و در گوشه اتاق، یک دیزی کهنه و سیاه می‌بیند. از ایشان سوال می‌کند: «این چیست؟» سید جواب می‌دهد: «بگ زمان طلبگی من هست. گذاشته‌ام این بالا، جلوی چشمم، تا خود را

۱- بوالحسنی مندر، سلطنت علم و دولت فقر، چاپ اول، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۴، ص ۷۱۹
 ۲- محسن کدیور، سیاست‌نامه خراسانی انتشارات کوبر، ص ۳۰۲
 ۳- تاریخ مشروطه ایران، موسسه چاپ و انتشارات امیر کبیر، چاپ پنجم، تهران، ۱۳۴۰، صص ۴۹۸-۴۹۶
 ۴- ملک زاده، مهدی، تاریخ مشروطه ایران، انتشارات علمی چاپ دوم، تهران، ۱۳۶۳، ص ۲، ص ۵۱۲
 ۵- محمدعلی مدرس تبریزی، رجحانه‌الادب، چاپخانه شرکت سهامی طبع کتاب، ۱۳۲۸، ش، ج ۴، از مجلد ۲-۳
 ۶- کسروی، همان، ص ۳۸۱
 ۷- ملک زاده، همان چاپ چهارم، ص ۳، ج ۴۷۸
 ۸- تاریخ نجف نگاشته به فصلنامه حکومت اسلامی، شماره ۲۹، اندیشه و منش سیاسی - اجتماعی آیت‌الله سید محمد کاظم طباطبایی یزدی، رمضان نر گسی، رضا ۱۴- سایت bbc
 ۹- سخنرانی مصطفی محقق داماد در پردیس قم ۱۵- فصلنامه حکومت اسلامی، شماره ۲۹، اندیشه و منش سیاسی - اجتماعی آیت‌الله سید محمد کاظم طباطبایی یزدی، رمضان نر گسی، رضا ۲۰- مجله نور علم، دوره دوم، ش ۳، ص ۸۴
 ۲۱- محمدعلی مدرس تبریزی، رجحانه‌الادب، چاپخانه شرکت سهامی طبع کتاب، ۱۳۲۸، ش، ج ۴، از مجلد ۲-۳